

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل دهم :

ردای پاره نشده عیسی ،

ولی کلیسا را پاره کردیم

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت سوم : روح القدس از راه کلیسا به مسیح شهادت می دهد

فهرست

- ۶۲۳ فصل دهم: ردای پاره نشده ی مسیح ، ولی کلیسا را پاره کردیم
- ۶۲۳ ۱- مقدمه : مشارکت همه در یک جام
- ۶۲۴ ۲- تاریخ گسستگی کلیساها
- ۶۲۴ الف - کلیسای شرق آشور
- ۶۲۵ ب - کلیسای ارامنه ی رسولی
- ۶۲۶ ج - کلیسای ارتدوکس بیزانتینی
- ۶۲۷ د - کلیساهای کاتولیک
- ۶۲۷ ۱- کلیسای آشوری کلدانی کاتولیک
- ۶۲۸ ۲- کلیسای ارمنی کاتولیک
- ۶۲۸ ۳- کلیسای لاتین کاتولیک
- ۶۲۸ و - کلیساهای پروتستان
- ۶۲۸ ۱- مارتین لوتر
- ۶۲۹ ۲- ژان کالوین
- ۶۳۰ ۳- مونتر وینگلی
- ۶۳۳ ی - کلیسای انگلیکن
- ۶۳۳ ۳- اوضاع فعلی کلیساها در منطقه ی ما
- ۶۳۴ کلیسای انجیلی پرزبتری
- ۶۳۴ کلیسای اسقفی یا انگلیکن
- ۶۳۴ گروه های پنطیکاست
- ۶۳۵ ۴- جنبش وحدت گرایی در جهان
- ۶۳۶ اثرات سوء تفکیک کلیساها
- ۶۳۶ وحدت فعالیت و وحدت تعلیم
- ۶۳۷ پیشرفت جنبش وحدت گرایی
- ۶۳۷ در مشرق زمین
- ۶۴۰ ۵- نتیجه: اتحاد کلیسا و مأموریت آن

فصل دهم

ردای پاره نشده مسیح، ولی کلیسا را پاره کردیم

خویش را صافی کن از اوصاف خود تا ببینی ذات پاک صاف خود (مثنوی، دفتر اول، ۳۴۶۰)
(قبل از خواندن متن ذیل، یوحنا باب ۱۷ را بخوانیم)

مقدمه - مشارکت همه در یک جام

جوان: زمانی که آیین سپاسگزاری، ایمان خود را اعلام می نمایم می گوئیم: «ما ایمان داریم به کلیسای واحد...» اما می دانم که در تهران کلیساهای آشوری، ارمنی، پروتستان... وجود دارد.

پیر: حق دارید درباره ی این موضوع دغدغه فکری داشته باشی: زیرا این مساله باعث رنج همه ی مسیحیان شده و در مرحله ی نخست، خود عیسا که پنج شنبه قبل از صلیب این گونه دعا کرد:

«ای پدر...» همه یکی باشند

هم چنان که تو، ای پدر، در من هستی و من در تو،

آنان نیز در ما باشند تا جهان ایمان بیاورد...» (یو ۱۷: ۲۱).

گسستگی در کلیسا، یادآور ردای مسیح می باشد که درز نداشت و لشکریان بعد از مصلوب کردن مسیح بدون آن که آن را پاره نمایند بر آن قرعه افکندند (یو ۱۹: ۲۳). این گسستگی در کلیسا معمولاً باعث می شود که در میان مسیحیان کلیساهای مختلف نتوانیم در مشارکت با تن و خون مسیح شریک شویم زیرا این مشارکت منوط بر مشارکت کامل در ایمان و بیانگر آن می باشد.

جوان: ولی این شرایط وحشتناک می باشد و باعث لرزش بی ایمانان می شود. باید هر چه زودتر آن را از میان برداریم!

پیر: البته، این دلزدگی دیگران رنج دائمی مسیحیان می باشد که وادار می کند هر کدام از ما برای اتحاد کلیساها نیایش کنیم و کاملاً مانع شود تا بر ضد کلیساهای دیگر صحبت کنیم.

ما باید همیشه به دنبال نکاتی که همه ی ما را در یک ایمان جمع آوری می کند، باشیم که نسبت به نکات گسستگی بسیار بیشتر می باشد.

۱- تاریخ گسستگی کلیساها

جوان: پس دلایل این اوضاع چیست؟

پیر: اصولاً تفرقه نشانه ای از گناهان ما می باشد: تکبر، قدرت طلبی، عدم احترام متقابل، عدم درک دیدگاه سایرین، انتخاب در میان کلام عیسا و فراموش کردن سخنان دیگر...

هم چنان که در زمان عیسا، رسولان نیز گاهی اوقات بحث نموده، اجازه می دادند رقابت ها، اتحاد موجود را زیر سؤال بود. که توسط این سؤال مشهود و وسوسه همیشگی: «در میان ما کدام یک بزرگتر است؟» (مر ۹:۳۴؛ مت ۲۰:۲۰) مطرح می شد.

در زمان کلیسای اولیه، سوء تفاهم ها، حسادت ها و تعقیب ها باعث اشکالات زیادی در میان مسیحیان برای رسولان می گردید (اع ۱۱:۳؛ ۱۵:۱-۲، ۳۶-۳۹؛ غلا ۴:۴؛ ۱-قرن ۱۰:۱-۱۳...) و اگر یوحنا ی رسول، در رساله ی خود یکتا فرمان محبت را که خود عیسا به ما داده مکرراً یادآوری کرده، به احتمال قوی به خاطر این که در جماعت مسیحیان که شخصاً مسئولیت آنها را به عهده داشته، اشکالات متعددی وجود داشته... و شبانان گمراه کننده آمده چندین نفر را اغفال نموده و یکتا گله ی تنها شبان بزرگ را پراکنده ساخته (مت ۷:۱۵؛ ۲:۴-۵؛ ۲۴:۲۰). اما عیسا از قبل، اصول رفتاری مسئولان را اعلام نموده تا این که بتوانند اتحاد خود را حفظ نمایند: با فروتنی تمام پاهای شاگردان خود را شسته، فرمان داده بود تا این گونه رفتار نمایند (یو ۱۴:۲-۱۷). این رفتار سرشار از محبت و فروتنی با عمل سلیمان و پسرش رجبعمام تناقض دارد. زیرا تکبر و قدرت نمایی باعث به وجود آمدن تفرقه در قوم برگزیده شده است (۱-پاد ۱۱). قبلاً نیز به یادآور، برج بابل و تکبر سازندگان آن که می خواستند به آسمان ها برسند: نویسنده با الهام یافتن از این داستان، تفرقه ما بین ملت ها را افشا می کند (پید ۱۱:۱-۹).

جوان: پس چه اتفاقی افتاد که امروز به اینجا رسیده ایم؟

پیر: این خود داستانی طولانی دارد، زیرا کلیسا که همیشه در تاریخ خود، گناهکاران را جمع نموده تأثیر داشته و دارد. ولی همه ی این اتفاقات را نمی توانم در چند جمله خلاصه کنم و این با خود توست که تاریخ کلیسا را بررسی کنی. فقط در اینجا کافی است که معرفی ای کوتاه درباره ی کلیساهایی که تنها امروز در ایران وجود دارند ارائه دهیم.

الف - کلیسای شرق آشور

از دیدگاه تاریخ، این کلیسا قدیمی ترین کلیسا در ایران می باشد. به احتمال قوی این کلیسا توسط تومای رسول و شاگردانش تأسیس شده است، که از کشور ما به سوی شرق گسترش

یافت، بنا بر این، اسم سنتی آن «کلیسای شرق» می باشد. زیرا در شرق امپراتوری رم گسترش پیدا نمود. در طول قرون اولیه، کلیساها بر این بودند که اعمال خود را بهتر بیان نمایند و راز عیسای مسیح را بهتر توضیح دهند، این کوشش بیشتر در کلیساهایی که در امپراتوری رم گسترش پیدا نمود و در دنیایی که زیر نفوذ طرز تفکر فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو بودند. برعکس، کلیساهای شرق ایمان خود را از منابع کتاب مقدس بیشتر توسط نمادها و سمبول ها بیان می کردند و نه توسط تشریح عقاید فیلسوفان یونان. علاوه بر این، این کلیسا همراه با کلیسای خاور نزدیک، ایمان خود را به زبان آرامی و سامی که نزدیک به زبان عبری کتاب مقدس بود بیان می کردند، و این خود سبب گردید که از کلیساهای غرب دور افتاده و هم چنین وجود جنگ ها بین امپراتوری پارس و بیزانس وجود این دو عامل باعث گردید که ارتباط مابین اسقفان کلیسای شرق و کلیسای بیزانس مشکل گردد زیرا امپراتوری کنستانتین مسیحی گردیده بود، و مسئولان امپراتوری پارس نسبت به مسیحیان سرزمین خود بی اعتماد شده از خود می پرسیدند. آیا مسیحیان جاسوسان امپراتوری بیزانس نمی باشند؟ وجود این مسائل مختلف در اوضاع کلیساها باعث گردید که کوشش مشترک برای این که راز مسیح را بهتر توضیح داده شود صورت نگیرد. و این اشکال در زبان های مختلف به تدریج مشکل و مشکل تر گردید.

در شورای اسقفان افسس در سال ۴۳۱ پاتریارک قسطنطنیه به نام نسطوریوس به علت عدم حضورش در زمان معین، متهم شد و مسئولان کلیسای اسکندریه ادعا کردند که او انکار می کند که: «در راز عیسای مسیح، یکتا پسر خدا، دو طبیعت انسانی و خدایی وجود دارد که این دو را با هم متحد می سازد و هم چنین عنوان «مادر خدا» که به مریم اطلاق شده را رد می کند»، در نتیجه کلیسایی به نام کلیسای نسطوری تأسیس شد و تدریجاً مسیحیان امپراتوری پارس از مسیحیان بیزانس دور شدند، و این بحث و جدل به خوبی در زبان یونانی درک نگردید. در نتیجه، اسقفان کلیسای شرق که نتوانسته بودند در شورای افسس شرکت نمایند در برابر کلیسای بیزانس و تمام کلیساهای امپراتوری رم، خود را مستقل یافته و عقیده ی نسطوریوس را پذیرفتند، که هنوز هم این شکاف بسیار قدیمی در اتحاد کلیساها باقی مانده است. اما خواهیم دید که توسط گفتگوها و تصمیمات مشترک در این سال های اخیر باعث ایجاد تفاهم و نزدیکی مابین کلیسای رم و شرق گردیده است.

ب - کلیسای آرامنه ی رسولی

این کلیسا اغلب مسیحیان ارمنی ایرانی را جمع آوری می کند. در ارمنستان، این کلیسا از قرون اولیه وجود داشته. ولی در ایران خصوصاً از زمان شاه عباس صفوی که در سال ۱۶۰۴ میلادی با زور تعداد زیادی از آرامنه را از کشورشان به ایران منتقل نمود، کلیسای آرامنه تشکیل گردید.

اما استقلال این کلیسا از کلیساهای دیگر چگونه شکل گرفت، بعد از مشکلاتی که در نتیجه‌ی شورای افسس حادث گردید، شورای دیگری در سال ۳۴۵ میلادی در شهر کالسدون تشکیل گردید تا مشکلاتی را که بین الکلیسایی مصر و کلیسای انطاکیه به وجود آمده بود روشن سازد که آیا عیسا دارای دو طبیعت واقعی انسانی بوده، یا طبق نظریه‌ی کلیسای اسکندریه توسط طبیعت الاهی جذب گردیده و ناپدید شده است. این شورا، حقیقت و تمامیت طبیعت انسانی عیسا را تشریح کرده و طرز فکر پاتریارک کلیسای اسکندریه را محکوم می‌کند که بعداً اینها را منوفیزست (Monophysites) نامیدند.

در برابر این تفرقه، امپراتور بیزانس که می‌خواست اتحاد قلمرو خود را حفظ نماید با توسل به زور، زبان و آداب و رسوم یونانی را به کلیسای خاور نزدیک تحمیل نماید و بر این باور بود که تصمیمات شورای کالسدون را به همه بقبولانند، در نتیجه، این امکان را فراهم ساخته که روشن سازد که در زیر این اصطلاحات مختلف، ایمان مشترک مابین کلیساها هنوز به قوت خود باقی است و همه با هم تأکید دارند که عیسا خود هم خدای حقیقی و هم انسان کامل می‌باشد. اما باین همه، این لطمه ای که از این جدایی حادث گردیده تا امروز هنوز باقی مانده است همان طور که در میان ما کلیسای ارامنه‌ی رسولی آن را نشان می‌دهد.

ج - کلیسای ارتدوکس بیزانتینی

این کلیسا، در ایران فقط از یک جماعت بیزانتینی روسی که بر اثر اتفاقات تاریخی، از روسیه به ایران مهاجرت کرده اند وجود دارد. ولی باید در مورد این کلیسا توضیح بیشتری داده شود زیرا این کلیسا اهمیتی قابل توجه در خاور نزدیک دارد.

این کلیسا، بر حسب کشورهایایی که در آن وجود دارد با تشریح ایمانشان مطابقت دارد. بنابراین، کلیساهای یونانی، روسی و رومانی و... نیز داریم، که پاتریارک قسطنطنیه این کلیسای ارتدوکس را در اتحاد جمع آوری می‌کند. اما با کرسی رم به خاطر چند علت، دچار اشکالاتی گردید از جمله: رقابت سیاسی و اقتصادی مابین رم قدیم و قسطنطنیه که رم جدید شده بود، تفاوت در احساسات دینی و تشریح ایمان مشترک، اختلاف مابین اقتدار دنیوی و اقتدار روحانی، چشم هم چشمی بین پاپ و پاتریارک غربی یا پاتریارک قسطنطنیه و...

این کشمکش‌ها و سوءتفاهم‌ها باعث گردید که در سال ۱۰۴۵ میلادی، محکومیتی متقابل علیه یک دیگر ایجاد نموده و عدم مشارکتی که تا امروز باقی است برپا گردد، با علم به این که، ایمان دو کلیسای رم و بیزانس بسیار به هم نزدیک می‌باشد. ولی فاصله‌ی موجود بین این دو کلیسا، صرفاً به خاطر رفتار ناپسند و بی‌عدالتی در زمان جنگ صلیبی شکاف بیشتری برداشته است. صلیبیون که

جهت آزاد ساختن اورشلیم به حرکت درآمده بودند، در سال ۱۰۹۸ میلادی در حوزه ی کلیسای بیزانس یک امپراتوری لاتین شرقی برپا کرده و پاپ رم، اسقفان کلیسای لاتین را مأمور نمود که در تمام کشورهای خاور نزدیک ادعا کنند که نسبت به اسقفان کلیسای شرق دارای اهمیت بیشتری می باشند. اما چندین سال بعد به خاطر مسائل سیاسی و منافع اقتصادی جهت خود را تغییر دادند و در سال ۱۲۰۴ میلادی شهر قسطنطنیه را فتح کردند و آن را کاملاً منهدم ساختند. اما امپراتوری بیزانس بر اثر هجوم ارتش عثمانی، از رم و کشورهای لاتین درخواست کمک نمود، ولی مسیحیان غرب هیچ گونه عکس العملی نشان ندادند و ارتش عثمانی توانست شهر کنستانتینول را تصرف نموده و ایران سازند و امپراتوری خود را به نام استانبول در آنجا برپا کردند. و در غایت اغلب کلیساهای لاتین کاتولیک و کلیسای شرق که در زیر سلطه اسلام قرار گرفته بود علی رغم دیدار و گفتگوهای متعدد مورد ایذا و آزار قرار گرفت که هنوز این زخم های عمیق کاملاً بهبود نیافته است.

د - کلیساهای کاتولیک

این کلیساهای محلی، مخصوصاً به خاطر اهمیت اسقف رم که جانشین پطروس رسول می باشد و مأموریت آن اداره کردن و در اتحاد جمع آوری کردن کلیساهای کاتولیک می باشد مشخص می شود. همان گونه که توضیح داده شد مشارکت مابین کلیسای شرق و کرسی بیزانس در نتیجه ی شورای افسس و کالسدون قطع گردیده بود و این شکاف باعث قطع ارتباط با کرسی رم گردید. علاوه بر این، مابین کرسی بیزانس و رم در قرن یازدهم قطع ارتباط به وجود آمد، اما بر اثر فعالیت راهبان کلیسای لاتین در شرق، جماعت مسیحیان، در لوای رهبری بعضی از اسقفان خود، مشارکت با کرسی رم را بازیافته و کاتولیک شدند. با توجه به این که سنن آداب مذهبی و روحانی کلیساهای شرقی خود را کمابیش حفظ نمودند. البته این حرکت، جهت گیری کلیساهای محلی شرق را پیچیده تر ساخت؛ زیرا در مقابل کلیسای شرق یا ارتدوکس، وجود کلیسای شرق کاتولیک را می بینیم که باعث گردید سلسله مراتب اسقفان از کلیسای اصیل خود جدا گردند. در نتیجه در مقابل کلیساهای اصیل شرق آشوری، سریانی، ارمنی، قبطی از این پس کلیسای متوازی کاتولیک در مقابل ایشان وجود دارد.

۱- کلیسای آشوری کلدانی کاتولیک :

بعد از انجام کوشش های فراوانی که در جهت اتحاد صورت گرفت، در سال ۱۵۵۳ میلادی پاتریارک کلیسای شرق به اسم یوحنا سولاقا و بعداً سر اسقف کلیسای حربکیر در سال ۱۶۷۳ با کرسی رم مجدداً مشارکت برپا نمود و به این ترتیب کلیسای کلدانی کاتولیک به وجود آمد. اما در سال ۱۵۵۹ شورای اسقفان، در شهر Diamper هندوستان که در اثر آن سر اسقف کلیسای لاتین با کلیسای شرق بد رفتاری نموده اسقفان این کلیسا کوشش نمودند که مسیحیان کلیسای شرق را به کلیسای لاتین پیوند دهند.

بالاخره پاتریارک کلیسای کلدانی کاتولیک در سال ۱۸۷۰ در زمان شورای اسقفان واتیکان اول، اقتدار خود را بر مسیحیان شرقی کشور هندوستان از دست داد. اما همیشه رفتار و فشار کلیسای لاتین بر این نوع کلیسای کاتولیک شرق اتحاد را مشکل ساخته و می سازد.

۲- کلیسای ارمنی کاتولیک :

بعد از کوشش های متعددی که از سوی بعضی از پاتریارک های کلیساهای ارمنی ارتدوکس که خواهان اتحاد با کرسی رم بودند، بالاخره در سال ۱۶۳۵ میلادی عده ای از اسقفان ارمنی این اتحاد با کرسی رم را به قرار ساخته و کلیسای ارمنی کاتولیک را برقرار نمودند.

۳- کلیسای لاتین کاتولیک :

کلیسای رم و حوزه ی پاتریارک لاتین در اروپا، همیشه کاتولیک باقی ماندند، زیرا تحت اقتدار پاپ که اسقف رم و جانشین پطرس رسول بوده زندگی کردند.

همان طور که توضیح داده شد جنگ های صلیبیون در سال ۱۰۹۸ سبب ایجاد امپراتوری لاتین در شرق گردید، که به دنبال این امر، یک پاتریارک و چندین اسقف لاتین در تمام کشورهای این منطقه نامزد شدند که در رقابت با سلسله اسقفان کلیسای محلی شرکت نمایند. این حالت حتی بعد از فتح کردن شهر یوحنا اکر در سال ۱۳۹۱ میلادی و نابود شدن تدریجی امپراتوری لاتین شرق ادامه داشت. اما کلیسای پارس در نتیجه آمدن راهب های، حوزه ی اسقفی لاتین در سال ۱۳۱۸ برقرار گردید، ولی با فتوحات تیمور لنگ از میان برده شد. اما مجدداً در سال ۱۶۰۲ میلادی برقرار گردید که حضور راهب های لاتین به صورت تا امروز ادامه دارد. و با جمع شدن مسیحیان شرقی که لاتین شدند یک جماعت کوچک کلیسای لاتین شکل گرفت.

هـ- کلیساهای پروتستان

شکل گیری کلیساهای پروتستان در کشور آلمان توسط راهبی با تقوا به نام مارتین لوتر (۱۴۸۵-۱۵۴۶) بود که با سؤالات عمیقی و انتقادهایی که از بعضی از عملکردهای کلیسای کاتولیک لاتین داشت شکل گرفت. در آغاز قرن شانزدهم، مشارکت با کلیسای کاتولیک و کرسی رم را منقطع ساخت و اصلاحات کلیسا را شروع نمود و کلیسای لوتری را بنیان نهاد. در اینجا فقط خلاصه ای کوتاه از تاریخ این حرکت که باعث تشکیل کلیساهای مختلف پروتستان گردید بررسی می نمایم:

۱- مارتین لوتر:

سؤالاتی که در طول زندگی مارتین لوتر سبب آزار و اذیت او گردید این بود که چگونه انسان می تواند با اطمینان قطعی به نجات دست یابد. لوتر، تصویر می نمود که حفظ خود اعمال شخص نجات و

حفظ قوانین مختلف برای نجات کافی نیست زیرا انسان هیچ وقت نمی تواند با دقت بداند که آیا کاملاً اراده خدا را به عمل آورده یا خیر. برای لوتر حل این مسئله تنها در یک ایمان کامل و بدون قید و شرط به راز خدا تحقق می یابد. و برای او اعمال نجات بخش و حفظ قوانین کمتر اهمیت داشت؛ زیرا نجات بشر، اصلاً مربوط به انجام دادن بعضی اعمال و رد کردن بعضی دیگر نیست، بلکه مربوط به یک ایمان تزلزل ناپذیر می باشد.

در نتیجه، لوتر بر ضد پاپ لئون دهم قیام کرده و پیشنهاد نمود که: سه دیوار بزرگ که به نظر او از کلیسای رم حفاظت و دفاع می کرد از بین برده شود، یعنی تفاوت مابین روحانیون و تعمید یافتگان حفظ کردن توضیح کتاب مقدس که فقط به اسقفان و کشیشان مربوط بود و حق اختصاصی پاپ جهت جمع آوری شورای اسقفان. عقیده ی لوتر درباره ی کهنات جهانی ایمان داران در مخالفت با سلسله مراتب اسقفان به این نیست که به مزدگرایی در دین رسیده بلکه با جمعیت به عنوان «جمعیت مقدسین» ارتباط دارد. در نتیجه، لوتر، آزادی مطلق وجدان را بدون ارجاع به اقتدار روحانی ادعا کرد و هم چنین حرکت پروتستان ها برای طرفداران اصول آزادی گسترش یافت. متأسفانه این حرکت موجب انشعاب کلیساهای زیاد و مستقل گردید.

۲- ژان کالوین (Jean Calvin):

ژان کالوین، در شهر ژنو کلیسایی بنا بر اصول کتابش به نام «تأسیس دین مسیحی» برپا کرد که به زودی در جماعت و دنیای سیاسی ژنو پذیرفته شد. از دیدگاه کالوین، کلیسا حق داشت به حکومت، اصول اخلاقی، اعتقادی، قوانین و سازماندهی خود را تحمیل نماید. کالوین، بر پرستش خدای پرجلال که همه چیز از او به وجود آمده بیشتر اهمیت می داد تا نسبت به محبت شخصی جهت عیسای مسیح. کالوین، حضور واقعی مسیح را در نان مقدس انکار کرده و تنها به حضوری نمادین بسنده میکرد. سلسله مراتب مسئولان در کلیسایش، متشکل از شماس جهت خدمات خیرخواهانه، معلمین برای اداره ی مدارس، مشایخ که بر اخلاق و تقوا نظارت می کردند و شبانان جهت موعظه و تشریح رازهای کلیسا بود.

۳- مونتر وینگلی (Munster Wingli):

مونتر وینگلی نیز درخواست احیا و تطهیر اصول کلیسا را می کرد، وینگلی به عنوان پیامبر انتقال معروف است، فکر می کرد برای هزار سال یک ملکوت زمان آخر را با عدالت کامل و احیاناً با زور اسلحه باید برپا نمود. نظریات او درباره ی کلیسا و رازهای آن به نسبت فکر لوتر قاطع تر بود؛ و کلیسای دیدنی و سنت و روایت آن، اقتدار خاص اسقف رم، وجود سلسله مراتب کلیسایی، آیین شام آخر، عهد راهبان، برزخ موقتی، اغماض خریدنی و اهمیت روزه را رد نمود. علاوه بر این، اقتدار سیاسی و حق رهبری را به کلیسا داد.

۴- کلیسای انگلیکن

اصول کلیسای انگلیکن عقیدتی نیست زیرا این کلیسا بر اثر یک حادثه شکل گرفت. هانری هشتم پادشاه انگلیس که می خواست از زن خود جدا شود و با زنی به نام آن بولین که دلباخته ی او شده بود ازدواج نماید اما پاپ نپذیرفت که ازدواج او را باطل نماید تا بتواند با بولین ازدواج نماید. بنابراین، پادشاه برای حصول به هدف، خود را از کلیسای رم جدا ساخت و خود را به عنوان رئیس کلیسای انگلستان اعلام نمود. هنگام مرگ او تشکیلات کلیسایی و اصول ایمان هنوز بر پایه مراسم کاتولیکی قرار داشت. اما با جانشینی فرزندانش، کلیسای انگلیکن شکل دیگری به خود گرفت و اصول ایمان خاص آن، مابین عقاید کاتولیک و لوتر شکل گرفت. تمام اصول ایمان مسیحیان این کلیسا شامل سی و نه اصول عقیدتی می باشد. هر چند در این کلیسا مقام اسقفی وجود دارد ولی در ارتباط با کوشش جهت وحدت گرایی در قرن بیستم، پاپ، اعتبار آیین تقدیس شدن این اسقفان را به رسمیت نشناخت. به احتمال قوی در زمان گسستگی اتحاد، سلسله مراتب دستگذاری که از رسولان می آید منقطع گشته است. اما در طول قرون اغلب در ارتباط با نفوذ کشور انگلیس در کشورهای مختلف این کلیسا گسترش پیدا نمود که این موضوع را در مورد ایران نیز بررسی خواهیم کرد.

اصول عقیدتی کلیساهای پروتستان به صورت کلی در نکات زیر، آموزش کلیسای کاتولیک را در

زیر سؤال مرده و کمابیش آنها را رد نموده:

- ۱- علاوه بر این که ایمان جهت نجات کاملاً لازم می باشد کوشش و عمل ایمان داران نیز لازمه ی آن می باشد.
- ۲- پروتستان ها، اهمیت سنت و روایت های کلیسا را در کنار کتاب مقدس رها نموده و تنها کتاب را سرچشمه ی ایمان اعلام کرده اند.
- ۳- از میان هفت راز کلیسا، پروتستان ها فقط رازهای تعمید و شام آخر را به عنوان یادآوری آن قبول دارند.
- ۴- در ارتباط با شام خداوند، جنبه ی قربانی آن و حضور واقعی مسیح در نان مقدس مورد قبول پروتستان ها نمی باشد.
- ۵- اهمیت اسقفان و مخصوصاً اسقف رم به عنوان جانشین پطروس و هم چنین اهمیت زندگی راهبی را قبول ندارند.
- ۶- اهمیت قدیسین به عنوان الگوی زندگی مسیحیان که برای ما نیز دعا می کنند و مخصوصاً احترام به حضرت مریم که بعضی از کلیساهای پروتستان پاکدامنی دائمی او را رد می کند.
- ۷- اهمیت دعا، استغاثه برای مردگان و وجود برزخ.
- ۸- اهمیت به شمایل های مقدس و احترام به آن.

بر اثر این موضوع، شورای اسقفان ترانت (Trente) (۱۵۴۵-۱۵۴۷، ۱۵۵۱-۱۵۵۲، ۱۵۶۲-۱۵۶۳) به این منازعه جواب داد و تعالیم کلیسای کاتولیک را در باره ی این نکات روشن تر ساخت و در کلیسای کاتولیک حرکتی جهت احیای ایمان و زنده کردن زندگی راهبی و شبانی شروع شد و مسؤلان جهت جواب دادن به احتیاجات نوین در ارتباط با اکتشاف های جغرافیایی و عملی کوشش نمودند.

از قرن هفدهم به بعد، کلیساهای کاتولیک لاتین و هم چنین کلیساهای پروتستان گسترش یافت که با گسترش اکتشافات جغرافیایی و فتوحات استعماری همراهی نموده و در کشورهای افریقای و

امریکایی کلیساها را برپا نمودند. چون کلیساهای پروتستان، دیگر مسئولی جهت حفظ نمودن اتحاد نداشتند در طول این قرون مخصوصاً در امریکای شمالی کلیساهای مختلف نسبت به همدیگر مستقل بودند. طرح زیر اشاره ای به مهم ترین کلیساهای پروتستان دارد. باید توجه داشت که این کلیسا امروز دارای ۳۷۰ شعبه ی مستقل می باشند. در زیر جمعیت تقریبی کلیساهای مختلف در جهان امروز را می توانید بررسی کنید:

آمار کلیساهای امروز

آفریقا:

- کل جمعیت: ۵۳۶۵۸۰۰۰ نفر
- انگلیکن: ۱۹۵۷۰۰۰۰ نفر
- باپتیست: ۱۲۹۵۰۰۰ نفر
- لوتری: ۳۹۰۸۸۰۰۰ نفر
- متدیست: ۷۴۶۰۰۰۰۰
- رفرمیسم: ۵۶۰۰۰۰۰۰
- ارتدوکس: ۱۱۴۰۰۰۰
- شرق غیر کالسدون: ۱۶۰۳۵۰۰۰
- کاتولیک: ۸۹۷۲۲۰۰۰

امریکای شمالی

- انگلیکن: ۲۶۱۱۹۰۰۰۰ نفر
- باپتیست: ۷۶۱۶۰۰۰۰ نفر
- لوتری: ۲۷۸۰۰۰۰۰۰ نفر
- متدیست: ۸۸۱۱۰۰۰۰ نفر
- رفرمیسم: ۴۹۴۵۳۰۰۰۰ نفر
- ارتدوکس: ۱۷۳۰۰۰۰۰۰ نفر

امریکای جنوبی

کل جمعیت: ۳۹۷۱۳۸۰۰۰ نفر
 انگلیکن: ۱۲۰۱۰۰۰ نفر
 باپتیست: ۱۰۹۰۰۰۰ نفر
 لوتری: ۱۲۰۷۰۰۰ نفر
 متدیست: ۱۸۹۰۰۰۰ نفر
 رفرمیسم: ۱۰۵۰۰۰۰ نفر
 ارتدوکس: ۳۶۵۰۰۰ نفر
 شرق غیرکالسدون: ۲۰۰۰۰ نفر
 کاتولیک: ۳۶۸۱۱۸۰۰۰ نفر

آسیا

کل جمعیت: ۲۷۷۷۳۸۵۰۰۰ نفر
 انگلیکن: ۵۸۸۰۰۰ نفر
 باپتیست: ۱۷۹۴۰۰۰ نفر
 لوتری: ۳۸۲۲۰۰۰۰ نفر
 متدیست: ۱۰۷۲۶۰۰۰۰ نفر
 رفرمیسم: ۷۵۰۰۰۰۰ نفر
 ارتدوکس: ۴۸۸۰۰۰ نفر
 شرق غیرکالسدون: ۱۶۷۳۰۰۰ نفر

استرالیا

کل جمعیت: ۲۴۴۵۸۰۰۰ نفر
 انگلیکن: ۵۵۶۴۰۰۰ نفر
 باپتیست: ۱۰۳۰۰۰۰ نفر
 لوتری: ۷۸۴۰۰۰۰ نفر
 متدیست: ۳۲۹۱۰۰۰۰ نفر
 رفرمیسم: ۱۸۰۰۰۰۰۰ نفر
 ارتدوکس: ۱۶۵۰۰۰۰ نفر

شرق غیرکالسدون:**

کاتولیک: ۷۴۴۷۰۰۰

اروپا (با روسیه)

کل جمعیت: ۷۶۶۳۲۵۰۰۰

انگلیکن: ۳۳۵۰۷۰۰۰ نفر

باپتیست: ۱۱۰۹۰۰۰ نفر

لوتری: ۴۹۸۴۰۰۰۰ نفر

متدیست: ۲۶۱۳۰۰۰۰ نفر

رفرمیسم: ۱۹۲۵۰۰۰۰ نفر

ارتدوکس: ۷۲۰۰۰۰۰۰ نفر

شرق غیرکالسدون: ۱۱۰۱۰۰۰ نفر

کاتولیک: ۲۵۴۹۶۱۰۰۰ نفر

جمع کل

کل جمعیت: ۴۷۶۳۰۸۵۰۰۰ نفر

انگلیکن: ۶۸۰۴۶۰۰۰ نفر

باپتیست: ۳۳۱۹۱۰۰۰ نفر

لوتری: ۶۸۳۷۰۰۰۰ نفر

متدیست: ۷۵۴۳۳۰۰۰ نفر

رفرمیسم: ۵۲۵۰۰۰۰۰ نفر

ارتدوکس: ۷۶۱۱۶۰۰۰ نفر

شرق غیرکالسدون: ۱۸۹۷۷۰۰۰ نفر

کاتولیک: ۸۸۳۲۲۰۰۰۰ نفر

۲- اوضاع فعلی کلیساها در منطقه ما

کلیسای انجیلی پرزبتری:

کلیسای انجیلی پرزبتری که از حرکت اصلاحاتی کالوین سرچشمه می گیرد در قرن نوزدهم توسط

جنبش مسیونری امریکایی در ایران تأسیس شد، و در سال ۱۹۳۵ در نتیجه ی نفوذ این مبلغین نزد

کلیساهای ارمنی و آشوری تشکیل گردید که از این جماعت ۵۵٪ آشوری، ۲۱٪ ارمنی و ۲۴٪ جماعت های دیگر می باشند و سه کلیسا طبق این زبان های مختلف در ارتباط با یکدیگر موجودیت پیدا نمودند.

کلیسای اسقفی یا انگلیکن:

این کلیسا در قرن نوزدهم در اصفهان به وجود آمد و در سال ۱۹۱۲ حوزه ی اسقفی خود را تأسیس نمود. این کلیسا بیشتر در جنوب ایران گسترش یافت با علم به این که این کلیسا بیشتر در شمال کشور فعالیت دارد.

گروه های پنطیکاست:

این گروه، در قرن نوزدهم از جنبش های بیداری حرکت متودیست ها شکل گرفت که بیشتر به احساسات و ابراز آن با حرکات مختلف اهمیت می دهند. از این جنبش بیداری، جماعت ربانی تشکیل شده است. اولین گروه پنطیکاستی در ایران، در ارتباط با جماعت ربانی امریکا در سال ۱۹۳۰ توسط افرادی از آشور تأسیس شد.

گروه فیلادلفیایی که امروز بیشتر جماع ربانی نامیده می شود در سال ۱۹۵۹ بیشتر در میان مسیحیان ارامنه شکل یافت. این گروه بیشتر در زندگی روح القدس و تجربیات احساساتی و تکلم به زبان ها و خدمات شفا دادن تأکید می کنند.

کلیساهای پروتستان و مسیحیان مشرق زمین

از اواخر سال های قرن شانزدهم، مؤسسات تجاری، و از آغاز قرن نوزدهم سفارت خانه های کشور انگلیس در منطقه ی خاورمیانه، مبشرین کلیساهای انگلیکن و پرزبتریان امریکایی جهت احداث بیمارستان ها و مدارس و ترجمه ی عهد جدید به زبان فارسی، این منطقه را به عنوان پایگاه فعالیت خود انتخاب نمودند. در زیر پوشش این گروه، بعضی از مسیحیان ارامنه بیزانتینی، سریانی غربی و شرقی گرد آمدند.

در سال ۱۸۴۴ در لبنان اولین جماعت پروتستان متشکل از مسیحیان خاورمیانه تشکیل شد، و از طرف عثمانی ها در سال ۱۸۴۶ رسمیت یافتند، علی رغم عکس العمل کلیساهای محلی، از این زمان به بعد کلیساهای مختلف پروتستان که در اروپا و امریکا تشکیل شده بودند به صورت پراکنده شروع به فعالیت نمودند.

در ابتدا، از سال ۱۸۴۶ ارامنه پروتستان جداگانه جوامع خود را تأسیس کردند اما در سال ۱۸۹۴ در ترکیه زیر ستم و جفا قرار گرفتند و در سال ۱۹۱۵ همراه با ارامنه سایر کلیساهای تبعید فرستاده

شدند. و در خاورمیانه اتحاد کلیساهای انجیلی ارامنه ی لبنان و هم چنین در مصر کلیسای انجیلی ارامنه را تشکیل دادند.

بازماندگان جماعت های مختلف مسیحیان سریانی که در شروع قرن نوزدهم در پارس و بین النهرین و لبنان، باز در ترکیه ی شرقی می مانند، با علم به اینکه بازگشت به سوی کلیسای شرقی اصیل خود می نمایند، عده ای مسیحیان سریانی در حوزه های اسقفی در ایران، عراق، و مصر زیر پوشش سراسقف انگلیکن اورشلیم متشکل شدند که همان مسیحیانی بودند که پریزبتری شدند و تعداد آنها از انگلیکن ها بیشتر بود. کلیسای انجیلی در ایران و در عراق کلیسای ملی محلی، و در سوریه و لبنان شورای کلیسای انجیلی ملی تشکیل دادند.

علاوه بر این، در مصر کلیسای انجیلی قبطی که پریزبتری می باشند و تأسیس آن در اواسط قرن نوزدهم شکل گرفته بود با ۱۵۰۰۰۰ عضو از بزرگ ترین جماعت پروتستان در خاورمیانه را تشکیل می دهند.

اما در حبشه، کلیسای محلی شرق توانست پروتستان هایی را که در این کشور از قرن ۱۷ وجود دارند، از خود دفاع نموده و مأموریت اینها را نزد غیرمسیحیان محدود کند.

در هندوستان، از میان مسیحیان کلیساهای محلی شرقی، کلیسای انگلیکن در سال ۱۸۳۶ تأسیس شده و امروز در کلیسای «هندوستان جنوبی» مشارکت می نمایند. اما کلیسای پریزبتری که رسماً در سال ۱۸۸۹ تأسیس گردید امروز دارای ۶۵۰۰۰۰ عضو می باشد.

امروز، کلیساهای پروتستان در مشرق زمین کم و بیش از مأموریت نزد مسیحیان قدیمی خودداری نموده و حتی با این کلیساهای محلی قدیمی دارای ارتباط رسمی و همکاری می باشند.

۳- جنبش وحدت گرایی

البته مسیحیان به زودی درک کردند که وجود فرقه ها و گسترش آن که در طرح بالا نشان داده شد یک اشتباه بود و مانع شهادت ایشان در میان غیرمسیحیان می باشد. در مرحله ی اول، مسیحیانی که از یک کلیسا بودند، علی رغم پراکندگی در تمام دنیا می خواستند به نوعی ارتباط و اتحاد با یکدیگر را حفظ نمایند.

در سال ۱۸۴۶ انجمن انجیلی دنیوی تأسیس شد که پروتستان های مختلف را بدون در نظر گرفتن عقیده ی خاص افراد را جمع آوری می کند. اولین جمعیت Lambeth در سال ۱۸۶۷ نمایندگان همه ی کلیساهای انگلیکن را در دنیا جمع آوری کرده این جمعیت هر ده سال گردهم می آمدند، اما بعد اجتماع جهانی کلیساهای اصلاح طلب و هم چنین جمعیت جهانی Babtist و فدراسیون دنیوی لوتری و اجتماع مسیحیان جوانان، خواه برای مرد خواه برای زن به وجود آمد.

اثرات سوءتفکیک کلیساها

در سال ۱۹۱۰ کنفرانس شهر ادیمبورگ (Edimbourg) نمایندگان جنبش بشارتی پروتستان ها را جمع می کند. در میان این ۱۲۰۰ نماینده عده ای از آسیا و آفریقا آمده بودند این گروه اثرات سوءتفکیک مبشرین مسیحی که هر یک در خدمت گروه خود کار می کردند بیان می نمایند. این گروه در آخرین گزارش جلسه خود تأکید می کنند: «در هر کشور غیرمسیحی باید کوشش کرد که کلیسایی برپا نمود که تفکیک نشده باشد...» امکان آن وجود دارد که در زمانی کلیساهای محلی، خود مسئله ی اتحاد را بدون در نظر گرفتن طرز فکر و تمایلات مبلغین غربی جداگانه حل نمایند». حاصل کار این کنفرانس این بود که آیین مشارکت به مرحله اجرا درآورده شد و وحدت گرایی در میان کلیسا شکل یابد. ضمناً تصمیم گرفته شد که جلساتی به طور متناوب تشکیل شود و در آینده کمیته ای مسئول انجمن بین المللی فعالیت بشارتی گردد.

وحدت فعالیت و وحدت تعلیم

در زمان جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸). سراسقف کلیسای لوتری شهر آکسال، مسیحیان را جهت دعوت به صلح جهانی فرستاده بود، که بعد از جنگ، جنبش حیات و فعالیت با مسیحیت تجربه ای برپا می کند. در سال ۱۹۲۵ در شهر استکهلم ۶۰۰ نماینده از ۲۷ کشور گرد هم آمدند که در میان آنان بعضی از افراد آلمانی همراه با دشمنان دیرین ایشان و هم چنین نمایندگان کلیساهای پروتستان همراه با کلیسای ارتدوکس جمع شده که با یکدیگر در زمینه ی ارتباط مابین کلیساها و مسائل عدالت اجتماعی بحث نمایند. مهم ترین سؤال مورد بحث این بود که چگونه اصول دین مسیحی را در زندگی روزمره به جا بیاوریم.

مجدداً در سال ۱۹۳۷ در شهر اکسفورد، جلسه ی دوم تشکیل گردید که در آن نمایندگی از ۱۲۴ کلیسا از ۴۴ کشور که بر حق آزادی دینی تأکید می ورزیدند شرکت داشتند. در نتیجه ی کنفرانس ادیمبورگ، جنبش دیگری به نام «ایمان و تربیت» به وجود می آید که در آن انگلیکن ها بیشتر فعال شدند. اولین جلسه ی مهم این جنبش در سال ۱۹۲۷ در شهر لوزان با حضور چهارصد نماینده از ۱۰۸ کلیسا تشکیل می شود و تعداد نسبتاً مهمی از کلیساهای ارتدوکس در این جلسه فعال بودند. گفتگوها عموماً پیرامون تعداد زیادی از نقاط مهم آموزه ها از جمله کلیساشناسی و خدمات در کلیسا بود. علی رغم تعجیل عده ای از شرکت کنندگان، کنفرانس در نظر می گیرد که جهت جستجوی حقیقت به زمان نیاز داریم و نباید به هر قیمت که شده اتحاد را برپا نمود. در سال ۱۹۳۷ در شهر ادیمبورگ کنفرانس جدیدی با تعداد بیشتری از نمایندگان درخواست می نماید که همه به سوی تفاهم متقابل در ایمان های گوناگون کوشش نمایند، و ابراز می دارند که از قبل این اتحاد داده شده است: «ما نمی توانیم در میان خودمان به سوی اتحاد کوشش کنیم اگر از قبل این اتحاد به ما داده

نشده بود، آنانی که هیچ ایمان مشترک ندارند از این که در جدایی از یکدیگر به سر برند، رنج نمی برند.

تعدادی از نمایندگان که در این دو جنبش شرکت کرده بودند در نظر می گیرند که یک سازمان مشترک به نام انجمن جهانی کلیسای بریا نمایند که جنبش حیات و فعالیت با جنبش ایمان و تربیت را جمع آوری کند. این تصمیم در سال ۱۹۳۸ در شهر اوترک گرفته شد ولی فقط بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ به مرحله ی اجرا درآمد.

پیشرفت جنبش وحدت گرایی

در طول جنگ و بر اثر تجربیات سخت ناشی از آن، جمعیت های مختلف مسیحیان، در خدمت پناه جویان و یهودیان زیر ستم با یک دیگر همکاری می کردند. در سال ۱۹۴۸ در شهر آمستردام انجمن اتحاد کلیساها تأسیس گردید، که به تدریج جنبش های مختلف وحدت گرایی از قبیل «ایمان و تربیت» «حیات و فعالیت»، «انجمن بین المللی فعالیت بشارت» که هر کدام از اینها جلسات خاص خود را ادامه می دادند جمع آوری نمود. انجمن بین المللی کلیساها، یک کلیسای مجلل نیست بلکه جایی برای ملاقات و گفتگو و انتظار در دعا می باشد. که هر چند سال یک بار جلسات عمومی درباره یک موضوع را تشکیل می دهد.

در مشرق زمین

درباره ی منطقه ما، باید یادآوری کرد که منجر به برپا کردن «کلیسای شرق میانه» که کلیساهای این منطقه را جمع آوری می کند به استثنای کلیسای شرق آشور زیرا کلیسای قبطی ارتدوکس که در میان این انجمن دارای اکثریت می باشد آن را رد کرده است. از سال ۱۹۷۴ این انجمن متشکل از چهار خانواده ی کلیساهای «ارتدوکس شرقی، کالسدونی، ارتدوکس شرقی غیر کالسدونی، کلیساهای پرستان، کلیسای کاتولیک، گفتگو و آماده کردن نیایش سالانه را جهت اتحاد کلیساها و هم چنین همکاری کلیساها در خدمت کشورهای ما را ترتیب می دهد.

مسئولان این کلیساها چندین توافق نامه درباره ی آموزه یا کار شبانی امضا کرده اند به صورت مثال کمیته ما بین کلیسای بیزانتینی و کلیسای رم در دانشگاه بالاماند در لبنان در روز پانزدهم ماه جون سال ۱۹۹۳ توافق نامه ای امضا کردند که هر نوع تبلیغ ما بین کلیساهای ما را رد می کند. (متن این توافق نامه توسط کانون یوحنا با عنوان «تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان و کوشش به سوی اتحاد کلیساها» همراه با مقدمه و تفسیر ترجمه و چاپ گردیده است).

درباره ی کلیسای کاتولیک باید یادآوری کرد که چگونه حضرت پاپ پل ششم و حضرت

پاتریارک آنتاگوراس اول به مناسبت زیارت هم زمان در اورشلیم در روز هفتم دسامبر ۱۹۶۵، محکومیت های مابین این دو کلیسا را لغو و باطل ساختند که این عمل خود یک گام مهم به سوی آشتی انجام داده است. اینک مهم ترین رئوس این مطلب:

[...] از موانعی که در راه توسعه این روابط برادرانه (میان کلیسای کاتولیک رومی و کلیسای ارتدوکس) از اعتماد و احترام، وجود دارد، یادآور تصمیمات، اعمال و عوارض زجر دهنده ای است که در سال ۱۰۵۴ منجر به صدور حکم طرد پاتریارک میشل سرولر و دو شخصیت دیگر توسط نمایندگان مسند و می به ریاست کاردینال هومبر منجر شد، نمایندگانی که خود بعداً در معرض حکمی مشابه از سوی پاتریارک و شورای مذهبی قسطنطنیه قرار گرفتند [...].

پاپ پل ششم و پاتریارک آنتاگوراس اول در شورای مذهبی خود، با اطمینان از بیان تمایل مشترک نسبت به عدالت و احساس متفق از محبت ایماندارانشان و با یادآوری از فرمان خداوند: «وقتی صدقه خود را به قربانگاه تقدیم می داری [...]» (مت ۲۳-۲۴)، با تفاهم مشترک اعلام می دارند:

الف - بر سخنان موهن و سرزنش های بی پایه و حرکات محکوم کننده که از هر دو طرف، وقایع دلخراش آن دوران را رقم زده است باید متأسف بود.

ب - هم چنین باید متأسف بود از خاطرات و محیط کلیسا، احکام محکومیت ها که مداومت یافته و یادآوری آن که تا به امروز چون سدی در برابر همدلی نسبت به محبت است، باید زدود و به دست فراموشی سپرد.

ج - سرانجام بر وقایع تألم آور پیشین و رویدادهای بعدی که تحت تأثیر عوامل مختلف و از آن جمله عدم تفاهم و سوءظن متقابل کار را نهایتاً به جدایی واقعی از مشارکت کلیسایی کشانیده، باید رقت آورد.

به عمل حاکی از عدالت و بخشایش متقابل، پاپ پل ششم و پاتریارک آنتاگوراس اول نباید بسنده کنند، بلکه به مدد فیض روح القدس و به یمن تطهیر قلوب، نسبت به اشتباهات تاریخی و اراده مؤثر برای رسیدن به یک درک و فهم مشترک از ایمان رسولی و مقتضیات آن، باید اقدام نمود [...].
در باره ی کلیساهای ایران دو توافق نامه در باره ی اختلاف در باره ی تصمیمات اسقفان شورای افسس (۴۳۱ میلادی) و کالسدون (۴۵۱ میلادی) در باره ی راز عیسا که خدا و انسان می باشد امضا شده است. در ابتدا پاپ ژان پل اول و پاتریارک مردنخای مسئول کلیسای شرق آشور، در روز شانزدهم نوامبر سال ۱۹۹۴ در رم، در متنی طولانی ایمان مشترک در باره ی شخص مسیح امضا کردند. این متن توسط کانون یوحنا رسول تحت عنوان «گامی به سوی اتحاد» به چاپ رسیده است.

هم چنین پاپ ژان پل دوم و کاتالیکوس کارکین دوم، پاتریارک ارامنه در روز نهم نوامبر سال ۲۰۰۰ در

رم بیانیه ای درباره ی ایمان مشترک کلیساهای خود امضا کردند و اینک نکات مهم این بیانیه: «با یکدیگر، ایمان خود را به خدای یکتا و سه گانه و هم چنین یکتا خداوند عیسا مسیح پسر یگانه ی خدا که جهت نجات ما انسان شده است اعتراف می نماییم. ما نیز ایمان داریم به کلیسای واحد. کلیسایی که به عنوان تن مسیح، یگانه و واحد است. چنین است ایمان مشترک ما که بر تعلیم رسولان و پدران کلیسا بنا نهاده شده است. علاوه بر این، ابراز می داریم که خواه کلیسای کاتولیک، خواه کلیسای ارمنی رازهای واقعی و مخصوصاً از راه سلسله مراتب رسولی اسقفان، کاهنان و آیین سپاسگزاری را دارا می باشند. نیایش خود را جهت مشارکت کامل و دیدنی در میان ما ادامه می دهیم. آیین مذهبی که اکنون بر آن ریاست کرده ایم و نشانه ی آرامش که تقسیم کرده ایم و برکتی که به نام خداوند عیسا مسیح به هم داده ایم ه برادری ما را در راز اسقفی نشان می دهد».

«با هم نسبت به مأموریت مشترک، مسئولیم: تعلیم ایمان رسولی به همه ی انسان ها مخصوصاً برای آنانی که تجربیات سختی تحمل می کنند و به محبت مسیح شهادت می دهیم».

«چون به هزاره سوم وارد می شویم به سوی زمان گذشته نظر کرده و آینده را می نگریم... قتل عام ارامنه که این قرن را افتتاح کرده است مقدمه ای بود بر وحشت هایی که به دنبال آمدند: در جنگ جهانی اول و دوم، نبردهای بی شمار و لشکرکشی جهت قتل عام های سازمان یافته که زندگی میلیون ها نفر از انسان را از میان برد، علی رغم این و بدون این که بخواهیم وحشت چنین اتفاقات را کوچک شمرده اینها به عنوان مبارزه طلبی خدایی که مسیحیان را دعوت می کند در صمیمیت عمیق به نام حقیقت محبت مسیحی در اتحاد جمع شوند...»

در خاتمه باید یادآوری کرد که در کشور ما نیز از سال ها پیش مسیحیان هر سال در اتحاد با یک دیگر جمع شده و دعا می نمایند. متن این دعاها توسط کانون یوحنا ی رسول به چاپ رسیده است.

راز شخص عیسا ی مسیح پسر خدا، نجات دهنده ما

مجمع اسقفان در شهر کالسیدون سال ۴۵۱

۱- مجمع اسقفان بر ضد آنانی که سعی می کنند راز تن گیری را در دو پسر تفکیک کنند، مخالفت می کند.

۲- و آنانی را که جرأت دارند ابراز کنند الوهیت پسر یگانه، آسیب پذیر است از شرکت در راز قربانی مقدس اخراج می کند.

۳- و بر ضد آنانی که تصور می کنند در مسیح دو طبیعت او ادغام و مخلوط می شود، بر می خیزد.

۴- سانی را که از روی بی خردی می گویند صورت بردگی که پسر برای ما به عهده گرفت از طبیعت آسمانی یا از طبیعتی غیر از طبیعت ما می باشد، رد می کند...

در پیروی از تعالیم پدران مقدس، همه ما یک صدا فرمان می دهیم که ایمان خود را چنین اقرار کنیم:

- ۵- خداوند ما عیسای مسیح پسر یگانه، کامل در الوهیت خود و کامل در انسانیت خود.
- ۶- حقیقتاً خدا و حقیقتاً انسان دارای روحی با قدرت ادراک و جسم.
- ۷- هم جوهر با پدر طبق الوهیت خود هم جوهر با ما طبق انسانیت خود «در هر چیز مثل ما جز گناه» (عبر ۴: ۱۵).
- ۸- بر حسب الوهیت، مولود از پدر قبل از زمان اما بر حسب انسانیت، در این روزهای آخر، برای ما و نجات ما، زاده از مریم عذرا مادر خدا.
- ۹- یکتا خداوند مسیح، پسر یگانه که باید او را در دو طبیعت، بدون اختلاط و تغییر و انقسام و انفکاک، اقرار نماییم.
- ۱۰- فرق بین این دو طبیعت هرگز توسط مشارکت آن دو از بین نرفته بلکه خصوصیات هر طبیعت محفوظ مانده و در یگانه شخص یعنی یگانه «اقنوم» به هم پیوسته است.
- ۱۱- او نه به دو شخص تفکیک و نه تقسیم شده بلکه او همان پسر یگانه خدا یعنی کلام خداست و خداوند ما عیسای مسیح.

نتیجه: اتحاد کلیسا و مأموریت آن

جوان: از این همه کوشش لذت بسیار می برم و به نظرم دارای اهمیت به سزایی می باشند. اما چه شد که این همه توافق نامه لازم گردید و چقدر زمان و کوشش لازم می باشد که به توافق برسیم؟ با علم به این که دعوت مسیح و هم چنین انجیلش و قدرت روح القدس برای همه مشترک می باشد.

پیر: تعجب به جا است و تنها تو نیستی که زمان - طولانی به نظرت می آید و در وسوسه و بی خبری افتاده ای، زیرا بعضی از مسیحیان حتی تاریخ کلیساها را نادیده گرفته و تفرقه ها را انکار کرده و در نیایش و سپاسگزاری شریک می شوند در حالی که کلیساهای ایشان هنوز به اتحاد کامل نرسیده است.



جوان: من با اینها کاملاً موافقم.



پیر: جوانی چه زیباست! از یک دیدگاه، کاملاً در اشتباه نیستی، زیرا نام مقدس، اتحاد ما بین مسیحیانی که آیین سپاسگزاری را برپا می کنند محکم و عمیق می سازد. اما برای اینکه بتوانند درست با یکدیگر آیین مقدس را برپا کرده در تن و خون خداوند ما شریک شوند قطعاً باید ایمان مشترکشان را اعلام کرده و بوسه آرامش به یکدیگر بدهند که اخم دروغین نباشد. اگر این شرکت در یک ایمان هنوز کامل نباشد چگونه می توان در یک نان مقدس شریک شوند؟ اگر مسیحیان کلیساهای مختلف با هم تن مسیح را قسمت کنیم با علم به اینکه جماعت ایشان یک ایمان را تقسیم نکنند همبستگی خود را با کلیساهای خاص از بین برده و توسط رفتارشان تفرقه جدیدی را برپا می کنند.



یک شخص مسیحی نمی تواند تاریخ کلیسا را انکار کند بدون این که جنبه ی تفکیک ناپذیر کلیسایی که هم خدایی و هم انسانی می باشد را انکار کند هم چنین کار روح القدس را که نه لحظه ای بلکه در طول تاریخ و زمان و تقویم برتر جای می گیرد.

جوان: خوب درک نمی کنم که چه می گویی.



پیر: کلیسا که توسط خداوند ما عیسا مسیح تأسیس شده موهبت خدا می باشد. بنابراین واحد و مقدس و کاتولیک و رسولی می باشد بنابراین همان طور که گفته شد کلیسا از خداست اما همین کلیسا، انسانی نیز می باشد، زیرا عیسا آن را به انسان های گناهکاری که در راه دگرگون کردن زندگی خود می باشند واگذار کرده است. البته روح القدس در قلب این افراد کار کرده تا در راز سه گانه اقدس ایشان را در قدوسیت و وحدت جمع آوری کند. اما کار روح القدس کم نیست، زیرا همیشه گناه ما سبب کشمکش در کلیسا گردیده که اغلب اوقات به جدایی های واقعی و پیروزی موقت شیطان می رسد. به یاد آورید که در گروه خود رسولان چگونه بحث در گرفت که مشخص سازد که در میان ایشان کدام بزرگ تر است (مر ۹: ۳۵-۹). هم چنین فراموش نکنید اشکالات عمیق و طولانی که ما بین مسیحیان اولیه، مثلاً درباره ی پذیرش غیریهودیان در کلیسایی که از یهودیان مسیحی شده تشکیل شده بود (اع ۱: ۱۱-۱: ۱۸؛ ۱: ۱۵-۱: ۲۹؛ غلا ۱: ۱۴-۱۴).

جوان: اگر شرایط چنین است کاری نمی توان انجام داد و هیچ وقت به توافق نخواهیم رسید.

پیر: «برای انسان غیرممکن است» (مر ۱۰: ۲۷)، این گفتار عیسا تعجب آور به نظر می آید و می توان آن را در ارتباط با کوشش جهت اتحاد ارتباط داد. این دنیا را بنگریم: تنها انسان ها می توانند سازشی موقت از راه سیاسی انجام دهند که به خاطر رقابت اقتصادی و ملی گرایی و قدرت طلبی اغلب شکستنی می باشد. چقدر با این مصالحه ی انسانی، از آن مشارکت در سه گانه ی اقدس که دعوت ماست دور هستیم! «اما نزد خدا هیچ چیز غیرممکن وجود ندارد» (یو ۱۷: ۳۷؛ ۱۸: ۱۷). هم چون قوم برگزیده که در صحرا در طول زمان تحت رهبری و حمایت ستون ابر به سوی سرزمین موعود گام بر می داشت، کلیسای ما نیز هم چون کاروانی است که همانا حرکت کرده ولی هنوز به هدف نرسیده است. امید ما بر قدرت خودمان متکی نیست بلکه بر دعای عیسا که گفت: «یکی باشند» (یو ۱۷: ۲۱) بنا می شود. دعایی که خداوند ما در شکوه خود با استغاثه ی دائمی برای ما نزد پدر (عبر ۷: ۲۴) هر دوره ادامه می دهد.



علاوه بر این، امید ما به حضور روح القدس که بر هر کلیسا می ماند بنیان نهاده شده است. روحی که به ما داده شده است و «ما را به سوی حقیقت کامل رهبری می کند» (یو ۱۶: ۱۳). پس، ایمان مبرم داریم که این گونه، به این وحدت نوین در سه گانه اقدس روز آمدن پر جلال خداوند ما خواهیم رسید. و بنابراین امید می توانیم با پشتکار کوشش کرده و با نیایش دائمی همکاری با روح القدس را با کوشش ادامه دهیم. به جا است که یادآوری کنیم «عجله کار شیطان است» مانند تقسیم نان ما بین کلیساهای

مختلف. هر شتابزدگی که واقعیت تاریخی را ندیده بگیرد اتحادی کاذب و گذرا در تحقیر شخصیت واقعی هر کلیسا در ارتباط خود با آن می تواند برپا کند. بر ضد این امید دو وسوسه ما را تهدید می کند.

می توانیم از کاروانمان جدا شده و تظاهر کنیم که به هدف رسیده ایم و با افرادی که خود انتخاب می کنیم کلیسایی که همانا می خواهد کاملاً مقدس باشد برپا کنیم؛ مانند عبرانیانی که در صحرا می خواستند فوراً و بدون حضور او در قدرتش به سرزمین موعود برسند (اعداد ۱۴: ۳۹-۴۹؛ تث ۱: ۴۵-۴۶). آیا در این حرکت برادران کوچک تر را منفور نشمرده و به جای امید روحانی همراه با فروتنی و صبر در تکلم نمی افتیم. برعکس چون کاروان ما هنوز به هدف نرسیده مانند عبرانیان در صحرا که در برابر مشکلات راه می خواستند به مصر برگردند (خروج ۱۶: ۳؛ اعداد ۱۱: ۲۵) می توانیم به سوی این اتحاد گام برداشته و عقب گرد نماییم. در این صورت آیا قدرت و حرکت روح القدس را طرد نمی کنیم؟

جوان: ولی به نظرم لازم است که این کوشش به سوی اتحاد را سرعت بخشیم تا این شکوائیه های کهنه از زمان دور را از میان برداشته و باهم در خدمت مردم به جلو حرکت نماییم.

پیر: کاملاً حق داری! مخصوصاً در کشور ما که تعداد مسیحیان در آن کم و تفرقه ها در آن کاملاً آشکار می باشد، که باعث می شود آنانی که می خواهند مسیح را بشناسند پراکنده شوند. بنابراین، امروز باید کوشش نموده و حتی به خود اجازه ندهیم با انتقاد از یکدیگر و غیبت ها گوش فرا داده و آن را بازگو نماییم. با این وصف، خواهیم توانست دلیل گسستگی ما که دلیلی غیرایمانی و انسانی می باشد شناخته و در جهت بهبود و شفا بخشیدن آن کوشش نماییم. و هم چنین از امروز عادت کنیم به صورت مدام با خود عیسا نیایش کرده (یو ۱۷: ۲۱)، با این ایمان و امید که خدا امور غیرممکن را ممکن سازد (پید ۱۸: ۱۴، لو ۸: ۳۷، عبر ۱۱: ۱۹). تا خدا هر وقت که بخواهد و از هر راه که انتخاب کند این اتحاد مشتاقانه که در انتظار آن هستیم به ما ارزانی دارد.

اینک دعایی که مسیحیان متعدد از کلیساهای مختلف با این ایمان می گویند:

دیوارهای جدایی به آسمان نمی رسند

۱- مسیحا، خداوند ما، تو در شب مرگت

برای ما این چنین نیایش کردی:

«ای پدر، همگی یکی گردند

همان گونه که تو ای پدر،

در من هستی و من در تو

باشد که همگی نیز در ما یکی شوند،

تا جهان ایمان آورد،

که تو مرا فرستاده ای.»

پس ما را با تلخی و درد از بی وفایی
و پراکندگیمان، آگاه ساز.

۲- به ما آن فیض را عطا فرما
تا آنچه از بی قیدی، بدگمانی
و حتی دشمنی متقابل را که در درون ما
نهفته است درک کرده و با صداقت به آنها
معرّف گشته و با شجاعت به یاری تو
آنها را به دور افکنیم.

۳- باشد که به یاری روح القدس،
همگی ما در تو،
به دیدار یکدیگر نائل شویم
تا نبایش تو، برای اتحاد مسیحیان
آن گونه که می خواهی
و آن چنان که مشیت توست
از قلب و زبان ما

کتاب برای مطالعه بیشتر :

- تاریخ کلیسای کاتولیک
- کوشش در راه اتحاد مسیحیان
- اتحاد
- گامی به سوی اتحاد
- تقدم کرسی روم در پیوند کلیساها
- وحدت گرایی کلیساها ، جلد اول (از دیدگاه کلیسای کاتولیک)